

بررسی حلیت غنا در تلاوت قرآن *

حسن زرنوشه فراهانی ** و حمید ایماندار ***

چکیده

برخی فقهاء و محققان شیعه در راستای تصویب حلیت غنا در تلاوت قرآن کریم به راهبردهایی برای خروج تخصصی یا تخصیصی غنا در تلاوت از حکم و موضوع غنا دست یازیده‌اند. مدافعان حلیت غنا در تلاوت قرآن در راستای اثبات خروج موضوعی و تخصیصی غنا قرآنی به طرح مدعیاتی چون مدخلیت غایت مغنی، اغراض مستمعان و ماده غنا در تحقق موضوع شرعی غناء، عدم وقوع آواهای شهوانی در تلاوت، عدم اعتبار حزن در مفهوم طرب، عدم امکان وقوع غنا محرم در تلاوت و مقارنت نداشتن تلاوت‌های مرسوم با ملازمات محرم مبادرت ورزیده‌اند. مدعای خروج تخصیصی غنا در تلاوت از حکم حرمت نیز با تأکید بر مفاد پاره‌ای از روایات صورت پذیرفته است. مطلوبیت تلحین، تغنی، صوت حسن، تزیین و ترجیع در تلاوت احسن و جواز تلهی در تلاوت اهم مفاد استظهار شده از این روایات در راستای تأیید تخصیص غنا در تلاوت است، لکن باید گفت مدعیات مذکور علاوه بر ضعف دلالتی توان معارضه با ادله قطعی حرمت غنا را ندارند. در نهایت، می‌توان مدعی شد ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی اسلوب‌های غیر غنایی تلاوت ضمن تضمین اصل تلحین و نغمه پردازی اعتدالی قاریان، به خوبی دو غایت مورد تأکید شارع یعنی جذابیت هنری وجه سمعی کلام وحی و اصالت دادن به محتوا در مقابل کیفیات صوتی تلاوت را محقق می‌سازد.

واژگان کلیدی: حرمت غناء، تلاوت قرآن، حکم و موضوع شرعی، فقه شیعه

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸.

** دانشجوی دکترای دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): hamidimandar@yahoo.com

*** دانش آموخته دکترای دانشگاه فردوسی مشهد: hamidimandar@yahoo.com

مقدمه

یکی از مباحث بحث برانگیز در حوزه فقه فریقین مسئله حرمت غناست. تحلیل و بررسی این امر با عنایت به فراگیر شدن فرهنگ تلاوت در کشورمان اجتناب ناپذیر است، به ویژه اینکه شبهاتی در خصوص غنایی بودن برخی اسلوب‌های نوین قرائت در بین جامعه قاریان و مستمعان ایجاد شده است.

نکته دیگر اینکه این مسئله در میان فقهای متقدم و متأخر نیز محل بحث بوده، اما غیر مبتلا به بودن آن در قرون پیشین و حتی چند دهه اخیر ضرورتی برای طرح آن ایجاد نکرده بود، لکن بحث در این باره به منظور داشتن مؤلفه‌های نوین تلاوت امروزی مهم است.

در این راستا باید به چند سؤال اساسی پاسخ داد؛ نخست اینکه نظریه حرمت نفسی غنا در تلاوت قرآن چه جایگاهی در بین فقهای شیعه دارد؟ به فرض پذیرش حرمت غنا استثنا پذیر بودن آن تا چه اندازه مستند به منابع فقهی شیعه است؟ این استثناپذیری در خصوص تلاوت قرآن از سوی چه کسانی طرح شده و چه نقدهایی بر آن وارد است؟ و این سؤال فرعی که رابطه بین غنا و مستثنیات غنا چیست و آیا می‌توان مناط حکم واحدی را در خصوص مستثنیاتی از قبیل مرثی، حدا خوانی و غنا در اعیاد و عروسی‌ها مطرح نمود؟ حکم تغنی به قرآن را می‌توان از چهار منظر مورد بحث قرار داد:

نخست دیدگاهی که غنا در تلاوت را ذیل حکم حرمت مطلق غنا تحریم می‌کند.

دوم حرمت غنا در تلاوت قرآن مبتنی بر روایات تقبیح تغنی به قرآن؛

سوم رویکردهایی که ناظر بر خروج تخصصی و موضوعی غنا در تلاوت از موضوع شرعی غناست.

چهارم آرائی که غنا در تلاوت را مبتنی بر تخصیص حکمی غنای حلال یا مستحب می‌داند.

باید دید کدام‌یک از دیدگاه‌های مذکور قرین به صحت است.

۱- منع غنا در تلاوت قرآن (یا حرمت غنا در تلاوت قرآن)

ادله قائلان به حرمت غنا در تلاوت قرآن مبتنی بر دو دسته دلیل است: یک: عموم ادله حرمت غنا؛ دو: ادله خاص تقبیح غنا.

الف) منع مبتنی بر عمومیت حرمت مطلق غنا

در صورتی که خروج موضوعی یا حکمی تلاوت قرآن از حکم عام حرمت غنا ممنوع باشد، تصویب حرمت غنا در تلاوت مبتنی بر عمومیت حکم حرمت غنا استوارترین آرا به شمار می‌رود؛ چرا که حجم بسیار روایات حرمت غنا استثنایذیری آن را خصوصاً در حوزه تلاوت، بعید جلوه می‌دهد؛ لذا جاری نمودن حکم عام حرمت غنا بر تحریم تغنی در تلاوت، پشتوانه محکمی از آیات و روایات مؤید حرمت غنا دارد؛ از این رو، اگر در سطور آتی، ادله خروج تخصصی یا تخصیصی غنا در تلاوت رسا نباشد، حرمت تغنی در تلاوت با اتکا بر عمومات ادله تحریم غنا وجیه‌ترین و استوارترین نظر به شمار می‌رود.

ب) منع مبتنی بر روایات تقبیح تغنی به قرآن

روایاتی که تغنی در تلاوت را تقبیح می‌نمایند، صحت سندی و قوت دلالتی چندان مقبولی ندارند، لکن می‌توان آنها را مؤید حرمت غنا به نحو عام و حرمت تغنی در تلاوت به نحو خاص در نظر گرفت. در ذیل به چند مورد از این روایات اشاره می‌کنیم.

روایت اشراط الساعه بودن تغنی به قرآن

در روایتی نقل شده پیامبر تغنی به قرآن و اتخاذ تلاوت به عنوان وسیله‌ای برای آوازخوانی را شدیداً تقبیح نموده و از آن به عنوان نشانه‌های قیامت یاد می‌کنند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۴۹). از نظر آیت الله خویی تمامی روایات برگرفته از تفسیر قمی و مندرج در وسائل الشیعه از طرق موثق نقل شده است (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۹). شیخ حر عاملی نیز می‌گوید: علی بن ابراهیم به ثبوت احادیث تفسیر خود و اینکه همه روایات آن از ثقات امامیه روایت شده‌اند، شهادت داده است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۳۰ / ۲۰۲). اما برخی رجال سند این روایت مورد نظر را تضعیف نموده‌اند (طوسی، رجال الطوسی، ۱۳۷۳: ۵۸۹؛ حلی، رجال العلامه الحلی، ۱۴۱۱: ۲۴۳). در هر صورت، به لحاظ سندی چندان نمی‌توان به این روایت اعتماد نمود. دلالت آن را نیز نمی‌توان دال بر حرمت گرفت؛ چرا که بسیاری از اموری که در این روایت به عنوان اشراط الساعه تقبیح شده، ضرورتاً در شمار امور محرم نیستند؛ لذا قطعاً می‌توان این روایت را مؤیدی بر عمومات ادله حرمت غنا تلقی نمود.

روایت تقبیح غشیه به واسطه استماع غنا در تلاوت

روایتی در کتاب کافی از طریق سهل بن زیاد وارد شده که از این قرار است: جابر گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: مردمی هستند که چون آیه‌ای از قرآن را ذکر کنند یا برای آنان خوانده شود، مدهوش می‌گردند و چنان می‌نمایند که اگر دست‌ها یا پاهایش را ببرند، نمی‌فهمند؟ فرمود: سبحان الله! این کار شیطانی است. همانا تأثر از قرآن نرم شدن دل، رقت قلب، اشک ریختن و ترس است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۲ / ۶۱۷).

در این روایت، حالت صیحه و غشیه‌ای که برای برخی از شنیدن قرآن حاصل می‌شود شیطانی خوانده شده و در ادامه حالت شایسته در شنیدن تلاوت را اشک ریختن و متأثر شدن از آیات معرفی شده است؛ بنابراین، اگر صیحه زدن و غشیه را که بر اساس سیاق پرسش کننده از امام برای مردم عادی حاصل می‌شده، از شنیدن صوت بدانیم و نه توجه به مفاهیم - که اظهر نیز همین است - این حالت همان حالت طرب است که در محافل غنایی به حضاران دست می‌دهد و باعث شدت حزن یا فرح شنوندگان و خواننده می‌گردد.

هر چند غالب رجالیان شیعه عبدالله بن حکم را در سند روایت تضعیف نموده‌اند (حلی، رجال العلامة الحلی، ۱۴۱۱: ۲۸۰؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۵)، روایت می‌تواند به جهت دلالتی مؤیدی برای عمومات ادله حرمت غنای در تلاوت باشد.

مفاد روایت الحان العرب در تحریم غنا در تلاوت

روایت الحان العرب به چند صورت مورد استناد قائلان حرمت غنا قرار گرفته است:

یک - تأکید بر اشعار روایت به حرمت لحن اهل فسق

در کتاب کافی این روایت نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونِ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغَنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۱۴).

ملا اسماعیل خواجویی با مجهول و مهمل خواندن برخی راویان این روایت بر ضعف سندی آن صحه گذاشته (خواجویی، رساله فی الغناء، ۱۳۷۶: ۱ / ۵۷۵). مجلسی نیز این روایت را ضعیف دانسته است (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۵۰۰)، ولی محمد تقی مجلسی این روایت را قوی دانسته است (مجلسی، روضة المتقین، ۱۴۰۶: ۱۰ / ۱۷۳)؛ اما ذکر روایت در

کتب معتبری چون مجمع البیان (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۹۵: ۱/ ۱۶) و غیر آنها (عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ۱۴۰۹: ۵۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۹۲/ ۱۹۰) و برخی از منابع عامه (ابن اثیر جزری، النهایه، ۱۳۶۷: ۴/ ۲۴۲) از جمله قرائن صحت آن است. مؤید مهمی که می‌تواند از یک سو تفسیر «الحن» را به لهجات یا آواها و ترنمات مرتجل اعراب تقویت و از سوی دیگر تفسیر آن را به الحان عربی (و نه الحان عجمی و مصنوعه) تضعیف نماید، واژه «العرب» می‌باشد؛ زیرا العرب اسم جنس بوده و مؤنث است (به معنای قوم عرب در مقابل قوم عجم) و با یاء نسبت به عربی تبدیل می‌شود (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ۸/ ۷۳)؛ لذا همین که از لفظ «العرب» به جای «العریبه» استفاده شده، وجه صحت استظهار مفهوم مورد اشاره تقویت می‌گردد.

بنابراین روایت می‌خواهد این نکته را افاده نماید که قرآن را با الحان - بنا بر قول اصح لهجات و بنا بر قول اضعف ترنمات - عرب‌ها بخوانید و اگر می‌خواست مفهوم الحان عربی - به معنای الحانی که عجمی نیستند یا الحانی که توسط اهل فن ساخته شده‌اند - را اراده نماید، باید از واژه «عریبه» به عنوان صفت کلمه «الحن» استفاده می‌نمود نه از ترکیب اضافی «الحن العرب»؛ بنابراین، این استعمال کلامی به خوبی تفسیر «الحن العرب» به نغمات معمول عرب صدر اسلام را تقویت و تفسیر آن را به الحان موسیقی عرب یا الحان غیر عجمی تضعیف می‌نماید؛ لذا مراد این است که قرآن را با ترنمات و زمزمه‌های معمول خود بخوانید و به الحان مستعمل بین اهل فسق در بیوت الغنا و مجالس لهوی که ممحض برای لذات اهل لغو و معاصی است، نزدیک نشوید. در نهایت، می‌توان معتقد شد مدعای حرمت استعمال اصوات لهوی در تلاوت قرآن بر اساس این روایت امری مقبول است.

دو - حرمت مطلق غنا بدون تقیید آن به عنوان تلهپی

برخی معتقدند روایت الحان العرب همه نوع غنا را در تلاوت قرآن حرام می‌داند و وجهی برای تخصیص غنا لهوی وجود ندارد؛ زیرا خواندن قرآن با آلات موسیقی هیچ گاه معهود نبوده است (سلیمانی آشتیانی، مجموعه رسائل، ۱۳۸۷: ۲/ ۳۰۴).

باید گفت بر خلاف تصریح مدعایی، مراد از الحان لهوی صرفاً ملازمت آن با آلات لهوی نیست، بلکه وقوع تناسب اصوات با مجالس لهوی در صدق لهویت صوت کافی است، از این رو، نمی‌توان گفت عدم ضرورت قید لهویت به جهت معهود نبودن تلاوت قرآن با آلات موسیقی است، بلکه علت این امر، حرمت هر یک از دو قسم صوت لهوی و غنایی در تلاوت

قرآن می‌باشد؛ گرچه باید تأکید نمود که حرمت غنا بر اساس ادله معتبر قرآنی و روایی مطلق است، اما بر اساس این روایت صرفاً به حرمت صوت لَهوی در تلاوت (و نه مطلق محتواها) می‌توان صحنه گذاشت.

۲- حلیت یا تأیید تغنی به قرآن

غالب تلاش‌های برخی محققان شیعی در جهت تصویب تغنی به قرآن به مساعی ایشان در خروج تخصصی و تخصیصی غنا در تلاوت از حکم و موضوع شرعی غنا باز می‌گردد. در ادامه ادله مورد استناد موافقان غنا در تلاوت استقصاء و نقد می‌شود.

الف) خروج تخصصی و موضوعی تلاوت قرآن از حرمت شرعی غناء

یکی از مستندات موافقت تغنی در تلاوت مدعای خروج تخصصی و موضوعی غناست؛ بدین معنا که اساساً نمی‌توان تلاوت قرآن را موضوعی برای حکم شرعی غنا تلقی نمود؛ به عبارتی، با خروج موضوعی تلاوت دیگر نوبت به تفحص از حکم شرعی غنا در تلاوت نمی‌رسد.

یک - مدخلیت ماده غنا در موضوع شرعی غنا

ظاهر کلام فیض کاشانی و محقق سبزواری این است که نفس صوت، موضوع شرعی غنا نیست، بلکه محتوای صوت در حکم غنا مؤثر است (فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۱۴۰۱: ۲/ ۲۱؛ محقق سبزواری، رساله فی تحریم الغناء، ۱۳۸۱؛ ۴۶/۱)، اما معنای وضعی و لغوی غنا به صراحت این مفهوم را از قبیل صوت معرفی می‌کند (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ۱۴۱۵: ۳۷۴؛ شریف کاشانی، ذریعه الاستغناء، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۲۳۶)؛ لذا از آنجا که دلیلی بر نقل معنای غنا از حقیقت وضعیه آن نداریم، نمی‌توان مدعی شد که غنا دائر مدار ماده و محتواست. به همین سبب، برخی از فقهای شیعه مدخلیت ماده و محتوا را در موضوع شرعی غنا رد کرده‌اند (معرفت، تحقیق عن مسئله الغناء، ۱۳۷۳: ۳۳۲)؛ لذا با مردود بودن مدخلیت ماده در تحقق غنا مدعای خروج تخصصی تلاوت از موضوع شرعی غنا صحیح نمی‌باشد.

دو - مدخلیت قصد مغنی در تحقق موضوع شرعی غنا

حسینی مرعشی معتقد است قصد و غرض خواننده در آوازخوانی، یکی از عوامل تعیین حکم شرعی آن صوت خاص است. وی پس از طرح تفصیلی ادله خود می‌نویسد: هر چیزی که در آن فایده دینی و دنیوی باشد و شارع از آن نهی نکرده و نزد عقلا لغو و باطل شمرده نشود (مانند تلاوت قرآن) مد صوت و تحسین و ترقیق آن در آنها مجاز بوده بلکه در برخی موارد مستحب نیز هست (حسینی مرعشی، خیر الکلام، ۱۳۷۶: ۱۴۶۳/ ۲).

حرمت یک صوت خاص غیر مطرب به واسطه اینکه در امور بی فایده و لغو استفاده می‌شود، کاملاً با عرف و عقل مخالف است. مثلاً شخصی که از سر بی‌حوصلگی آوازی غیر مطرب سر می‌دهد، در این حال نمی‌توان گفت کار حرامی انجام داده است مگر اینکه این آواز ملازم با معاصی یا دارای محتوای باطل و خلاف شرع باشد. چنین آوازی که مرعشی از نوع غنای حرام دانسته، در واقع، یکی از تعاریف صوت لهوی به مفهوم تلهی (به معنای سرگرمی) است که حرمت نفسی ندارد مگر اینکه با مقارنات و محتوای حرام همراه شود؛ لذا نمی‌توان با مدعای مرعشی، مدعی خروج تخصصی تلاوت قرآن از موضوع حرمت غنا شد.

سه - اعتبار اغراض شنوندگان در تحقق عنوان غنا

مولی حبیب الله شریف کاشانی در رساله ذریعه الاستغنا سخنی را درباره حرمت یا عدم حرمت طرب حزن آفرین مطرح می‌نماید؛ چرا که در حرمت طرب رقص آور بین قائلان به حرمت غنای مطرب اختلافی نیست. وی معتقد است تأثیر حزن حاصل از استماع غنا در شنوندگان متفاوت است. برای برخی که شهوت و هوای نفس بر آنها غلبه دارد، مذموم و برای کسی که صوت غنایی را برای تذکر بیشتر در مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) و مانند آن استماع می‌کند، ممدوح است (شریف کاشانی، ذریعة الاستغناء، ۱۳۷۶: ۱۳۱۰ / ۲).

وی در جایی دیگر استفاده از صوت غنایی و مطرب (حزن آفرین) را در مراثی مجاز می‌داند، ولی معتقد است استفاده از صوت لهوی (به مفهوم الحان مجالس لهوی) در مراثی حرام است. البته این کلام کاشانی در حلیت صوت مطرب در مراثی بیشتر به سبب انکار حرمت غنا به مفهوم صوت مطرب از سوی وی است (همان، ۱۲ / ۲).

در پاسخ این دیدگاه فقهی باید گفت طرب حزن انگیز فی نفسه حرام است و دلیلی نداریم که آن را بر اغراض و حالات نفسی شنوندگان متوقف نماییم؛ چرا که ممکن است شخص دیگری معتقد باشد غنای مطرب شادی آفرین در اعیاد اسلامی نیز حلال است؛ زیرا غرض خواننده و شنوندگان اقامه شعائر الهی و ادخال سرور در قلوب مؤمنان در روز عید است. با این فرض غنا نیز در این حالت معین در شادی و تفریح است و با این شیوه استدلال (استدلال به حالت خواننده و شنوندگان) می‌توان استعمال ملاحی را نیز در اعیاد اسلامی تجویز نمود؛ بنابراین، هیچ دلیلی برای منحصر نمودن حرمت طرب در طرب شادی آفرین نداریم.

البته این کلام کاشانی درست است که متأثر شدن شنوندگان از صوت غنایی یک جور نیست؛ چه بسا برخی نیز در ذهن خود مصائب اهل بیت علیهم السلام را تصور نموده و گریه کنند. در هر حال، در خصوص تلاوت قرآن نیز نمی‌توان بنابر تأثیر غرض مستمع در تحقق غنا مدعی شد که با تحقق صحت اغراض شنوندگان غنا در تلاوت قرآن، این امر تخصصاً از موضوع غنا خارج است.

چهار - عدم مقارنت تلاوت‌های مرسوم با ملازمات محرم با مقدمه پذیرش انصراف موضوعی غناء

این مدعا نیز تلویحاً و تضمناً از سوی فیض کاشانی مطرح شده است؛ جایی که وی با ذکر برخی روایات مؤید غنا در تلاوت، در نهایت، دعوی انصراف غنا به آواهای ملازم با محرمات را می‌پذیرد (فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۲۰)؛ لذا می‌توان گفت وی عرفاً معتقد بوده که تلاوت‌های مرسوم مقارنتی با محرمات ندارد و به همین سبب، راستا به مدخلیت محتوا در حکم غنا معتقد شده است. اما بیان شد که تعریف موضوع غنا به کیفیات صوتی جایی برای طرح معتبر بودن ماده و مقارنات غنا در حکم شرعی آن نمی‌گذارد.

پنج - عدم وقوع آواهای شهوانی در تلاوت قرآن

ماجد بحرانی با طرح حرمت اصوات لهوی شهوانی در رساله‌ای - که به هدف طرح حلیت صوت مطرب در تلاوت قرآن نگاشته - در صدد بوده وقوع اصوات شهوانی را در تلاوت قرآن غیر ممکن جلوه دهد (بحرانی، ایقاظ النائمین، ۱۳۷۶: ۱ / ۵۱۸)، وی باید گفت دلیلی برای نقل مفهوم غنا از معنای موضوع له آن که همان صوت مطرب باشد، نداریم.

بسیاری از فقهاء به خصوص متأخران شهوانی بودن یا مناسبت با مجالس لهو و لعب را علت تحریم غنا دانسته‌اند. این امر نشان می‌دهد که ایشان به مفهوم دقیق لغوی غنا به مفهوم صوت مطرب عنایت نداشته‌اند تا آثار فاجعه بار غنا را بر قوه عاقله انسان درک نمایند؛ چرا که غنا حتی اگر به سر حد زوال عقلی برسد، ملازمه‌ای با شهوانی بودن آن ندارد.

روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نکته را به خوبی تأیید می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «من تغنی بغنا حرام یبعث فیه علی المعاصی فقد تعلق بغصن منه؛ هر کس به غنای حرامی که باعث انگیزش در ارتکاب معاصی می‌شود تغنی نماید، به شاخه‌ای از درخت زقوم آویخته می‌شود (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۸ / ۱۶۷).

محمد رسول کاشانی معتقد است در این روایت علت حرمت غنا کشاندن نفس به سمت شهوات است و نه نفس واقع شدن در معصیت (کاشانی، رساله فی تحریم الغناء، ۱۳۷۶: ۱/ ۷۵۴). این تفکر که غنا با کیفیت صوتی خود یا مقتدرات آن باید شهوانی باشد تا عنوان حرام بر آن اطلاق شود با این سخن ناساگار است؛ چرا که مسکرات یا قمار نیز به سبب شهوانی بودن تحریم نشده‌اند و چه بسا تجری شارب خمر یا قمار باز به ارتکاب معاصی به سبب نوعی غفلت خاص مترتب بر این امور، علت حرمت آن باشد؛ این همان کاری است که طرب با ایجاد سبک عقلی و خفت حاصل از شدت حزن و فرح صورت می‌دهد.

نهایت امر این است که بگوییم رابطه بین اصوات شهوانی و آوهای مطرب عموم و خصوص من وجه است و ممکن است اصوات مطرب بعضاً با شهوت برانگیز بودن تلازم داشته باشند که در این وجه حرمت مضاعف دارند؛ چرا که غیر از عنوان محرم طرب انگیز، واجد صبغه شهوانی و محرک بودن نیز هستند مانند اینکه زنی خوش صدا قرآن را با الحان مطرب و شهوت انگیز تلاوت نماید. اما اینکه با حدسی عرفی وقوع آوازهای محرک در تلاوت را ممنوع دانسته و در صدد خروج تخصصی و موضوعی غنا در تلاوت باشیم، با اصل مدخلیت طرب (و نه شهوانی بودن صوت) در حرمت غنا منافات دارد.

شش - عدم امکان وقوع غنا محرم در تلاوت قرآن مرسوم

برخی معتقدند در تلاوت اساساً وقوع طرب‌انگیزی ممکن نیست و در صدند با این استدلال، تلاوت قرآن را موضوعاً از حکم غنا خارج کنند. باید گفت اولاً مراد از قید مطرب بودن رسیدن به درجاتی چون زوال عقل حاصل از خفت اصوات مطرب نیست، بلکه صدق سبکی و خفت حاصل از صوت موجب اتصاف صوت به عنوان غنایی می‌شود. ثانیاً از حیث وقوع نیز ایجاد طرب به نحو حزن‌انگیز یا فرح انگیز در تلاوت متصور است. توضیح اینکه مهم‌ترین بخش از قواعد تجویدی که مانع بزرگی در مسیر تلاوت به شیوه طرب انگیز می‌باشد، سخت‌گیری بسیار شدید در مورد عدم کشش بیش از حد حرکات کوتاه و کشیده است؛ لذا آنچه در دیگر محتوای دینی و غیر دینی به طرب آوری کمک می‌کند، همین بی‌قید و شرط بودن میزان کشش‌ها و سهل‌گیری در کیفیت ادای حروف است؛ به عبارتی، اصول تجویدی به خصوص لزوم رعایت میزان مدود و کشش‌ها، دامنه اختیارات قاری قرآن را در اجرای انعطاف‌ها و تحریرها که از عوامل مهم ایجاد طرب هستند، کم می‌کند در

صورتی که این سخت‌گیری و محدودیت‌های زیاد در دیگر فنون خوانندگی اعم از دینی و غیر دینی وجود ندارد. بنابراین، قاری قرآن مشکل است بتواند از این فضای محدود، ترجیحات تلاوت خود را به حد طرب برساند. با این حال، محال نیست - چنان که می‌توانیم - نمونه‌هایی محدود از تحقق طرب به این معنا در بخش‌هایی از تلاوت‌های اساتید بزرگ مصری به عنوان طلایه داران فن تلاوت معرفی نماییم؛ برای مثال، در برخی تلاوت‌های استاد محمد احمد عمران و محمد عبدالعزیز حسان که به راستی در فن تنغیم و تلحین بی‌بدیل هستند خروج برخی شنوندگان از حالت عادی بر اساس شدت طرب‌انگیزی آن بخش از تلاوت مشاهده می‌شود که بعضاً با صیحه کشیدن و زدن دست‌ها به هم همراه است. کسانی که در جلساتی با حضور قاریان توانمند در زمینه تلحین مأنوسند، تأیید می‌کنند که برخی از حالات مذکور قطعاً به سبب شدت طرب‌انگیزی تلاوت قاری است نه صرفاً شگفت زده شدن مستمع از فنون قاری.

در نهایت، باید گفت مصادیق مقبولی برای تلاوت‌های طرب‌انگیز و غنایی وجود دارد و نمی‌توان با مدعای عدم امکان ایجاد صوت غنایی در تلاوت، آن را موضوعاً و تخصصاً از حکم عام حرمت غنا خارج نمود.

هفت - عدم اعتبار حزن در مفهوم طرب

برخی محققان غالباً با این پیش‌فرض که حزن حاصل از مراثی و تلاوت قرآن نمی‌تواند مذموم باشد یا اینکه غنا مختص آواهای رقص آور و شهوانی است، خواسته‌اند مفهوم طرب را منحصر به حالت شادی آفرین آن نمایند؛ برای مثال، فیض کاشانی با همین زمینه فکری غنا را واجد حرمت ذاتی نمی‌داند (فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۱۴۰۱: ۲/ ۲۱).

محکم‌ترین پاسخ به بیان مذکور، مفهوم لغوی واژه طرب است. طرب به حالت سبک عقلی و خفت روحی اطلاق شده که از شدت فرح یا حزن حاصل می‌شود (ایرانی، تحلیل مفاهیم فقهی غناء، بی‌تا: ۵۵). در واقع، موجب تحقق غنا، همان حالت خفت و سبک عقلی است. حال ممکن است این حالت معلول شدت شادی آفرینی یک آواز باشد و یا شدت حزن‌آوری آن. آنچه از محافل عیاشان حکومت عباسیان گزارش شده نیز نشان می‌دهد که آنها از هر دو نوع طرب شادی آفرین و حزن آفرین برای تلذذ و تلهی بهره می‌برده‌اند؛ لذا خردادبه از موسیقیدانان بزرگ دربار عباسی نیز غنا را واجد هر دو نوع طرب‌انگیزی حزن‌ی و فرح‌ی می‌داند (همان، ۵۵).

این امر نشان می‌دهد آرای اهل لغت در معنای طرب با مفهوم آن در علم موسیقی توافق دارد و واقعیات مجالس لهوی نیز موید عدم انحصار طرب در نوع شادی آفرین آن است. صاحب جواهر نیز طرب منبعث از حزن را در تحقق غنا معتبر می‌داند (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۹۲: ۲۲/۴۷).

سنقری حائری نیز با تأکید بر تمایز غنا حاصل از طرب حزن‌ی با اصل تحزین در تلاوت قرآن، فلسفه حرمت غنا حزن‌انگیز را این چنین توصیف می‌کند: هدف از حزین خواندن کتب آسمانی تنها توجه دادن قلوب به سمت خدا و آیات اوست نه آنکه از شدت ترجیع و طرب و ذوق شهوت به گریه آید؛ گریه و حزن خارج از اختیاری که [شنونده] خودش هم نمی‌داند برای چه چیز گریه می‌کند (سنقری حائری، الموسیقیات و نقدها، ۱۳۷۶: ۲/۱۵۶۵). دارابی نیز در رساله مقامات السالکین طرب را لذتی به درد آمیخته توصیف نموده و طرب حزن‌ی را نیز در تحقق غنا معتبر می‌داند^۱ (دارابی، مقامات السالکین، ۱۳۷۶: ۱/۳۱۹).

طرب به هر صورتی حاصل شود، سبب تخدیر جسمی و روحی مستمع شده و او را از واقعیات امور جاری و اصلی حیات دنیوی دور می‌سازد و حاصلی جز ضعف اراده و تن دادن به لهو و بیهودگی ندارد.

در نهایت، باید گفت اطلاق مفهوم غنا و طرب امکان انحصار آن را به طرب شادی آفرین نمی‌دهد، چنان که بسیاری از فقهاء به این مسئله تصریح نموده‌اند (بهبهانی، رساله فی الغناء، ۱۳۷۶: ۲/۸۲۸)؛ بنابراین، اینکه برخی محققان خواسته‌اندبا این استدلال که در تلاوت و مرثی اهل بیت (علیهم‌السلام) طرب وجود ندارد، این دو مقوله را موضوعاً از مقوله غنا استثنا نمایند، مقبول نیست.

ب) خروج تخصیصی تلاوت قرآن از حکم حرمت غناء

بیان شد که یکی از مستندات موافقان تغنی در تلاوت مدعای خروج تخصیصی غنا در تلاوت به معنای استثنا شدن غنا در تلاوت از عمومیت حرمت غناست؛ به باور این محققان، این مدعا به طرق متعددی قابل اثبات است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

یک - روایات مشتمل بر مطلوبیت تغنی به قرآن

یکی از مستندات خروج تخصیصی، روایات مشتمل بر مطلوبیت تغنی به قرآن است. در ذیل به بررسی این روایت می‌پردازیم:

استثنای تلاوت از مقوله غنا بر اساس روایت تغنی به قرآن

برخی بر اساس روایت نبوی مشهور «من لم یتغن بالقرآن فلیس منا؛ هر که به قرآن تغنی نکند از ما نیست» (عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ۱۴۰۹: ۲۷۹) معتقدند غنا در تلاوت قرآن از حکم حرمت مطلق غنا استثنا شده است؛ هر چند قاطبه فقهای شیعه تنها به استثنای غنا در عروسی‌ها فتوا داده‌اند. باید گفت این مدعا به دلایل متعددی باطل است:

۱- این روایت معارض با اجماع شیعه در حرمت غناست.

۲- یکی از مهم‌ترین دلایل معارضت این روایت با روایتی است که تغنی به قرآن را به شدت نکوهش می‌کند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۴۹). به علاوه، روایت مشهور وارده در کتاب شریف کافی که از ترجیح غنایی قرآن نهی می‌کند نیز با روایت تغنی به قرآن مخالف است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۱۴). به عبارتی، منطوق دو روایت مخالف با تغنی به قرآن با تنها روایت موافق تغنی مابینت دارد. اما اسناد قوی‌تر دو روایت مخالف نسبت به روایت موافق و همچنین ادله قطعی حرمت غنا جایی را برای پذیرش روایت موافق با تغنی به قرآن باقی نمی‌گذارد.

۳- در روایات نبوی ﷺ مذکور در جوامع روایی فریقین، پیامبر اکرم خواندن زمزماری قرآن کریم توسط قاریان را نکوهش کرده‌اند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۳۱۰). روشن است که تا به امروز خواندن قرآن همراه با آلات موسیقی توسط قاریان معهود نبوده است؛ بنابراین، منظور همان چرخاندن صدا در گلو به حالت طرب آور خواهد بود که نافی جواز تلاوت غنایی قرآن کریم است.

۴- حال به فرض پذیرش سندی روایت تغنی به قرآن وجه دلالتی آن نیز توجیه‌پذیر است، چنان که سید مرتضی در امالی به تفصیل از آن سخن گفته است، ولی به نظر می‌رسد چندان نیازی به توجیه مفهومی این روایت نیست.

از دیدگاه نگارنده، همچنان که تفسیر تغنی در تلاوت به غنا صحیح نیست، تفسیر آن به استغنا نیز صحیح نمی‌باشد؛ چون به صراحت با مفهوم لغوی تغنی در تعارض است. افزون بر اینکه مؤیدات دیگر نشان می‌دهد که مراد از تغنی، کیفیت صوتی است. از طرفی دیگر، تغنی بالقرآن اصطلاح خاصی برای تلاوت قرآن است که به واسطه وجه شبهی که با غنا عرفی در ترجیح صوت و ایجاد لذت سمعی دارد، به این عنوان نام بردار شده است؛ یعنی در تغنی هم

ترجیع صوت و تلذذ به صدا وجود دارد که البته قداست کلام الهی عنوان طرب و لذت حرام را از معنای آن تخصیص می‌زند. لذا می‌توان گفت در روایت تغنی به قرآن نوعی تشبیه و مشاکله نسبت به غنای اهل لهو و لعب وجود دارد و این روایت در صدد افاده این معناست که اهل ایمان نیز از لذت اصوات زیبا و در عین حال معنوی و به دور از غنا برخوردار هستند، هم‌چنان که اهالی موسیقی‌های حرام نیز از این لذت سمعی اما به شکل حرام آن بهره می‌برند. در نهایت، معتقدیم خروج تخصیصی غنا در تلاوت با استناد به روایت فوق مقبول نیست.

استناد به روایت تلاوت غنایی حوریان

روایتی در تفسیر فرات کوفی نقل شده که مورد استناد موافقان تخصیص غنا در تلاوت است. روایت طولانی بوده و موضع حاجت آن از این قرار است: «... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَرَ سَكَّانَ الْجَنَّةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ فِيهَا أَنْ يُزَيَّنُوا الْجَنَّةَ كُلَّهَا بِمَعَارِسِهَا ... فَأَمَرَ حُورَ عَيْنِهَا بِالْغِنَا فِيهَا بِسُورَةِ طه وَ يس وَ طو اسين وَ [حم] عسق ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ ...» (فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۴۱۴).

این روایت صرفاً در تفسیر فرات کوفی نقل شده و در کتب معتبر و اصیل شیعی اثری از آن به چشم نمی‌خورد. از جهت دلالتی نیز قیاس احوالات دنیای مجرد ملائکه با دار تکلیف این دنیا قیاس مع الفارق است و نمی‌توان از طریق این قیاس به حکم واقعی دست یافت. دیگر اینکه غنا در این روایت با اقتران به امر تلاوت به غنائی متناسب با قداست قرآن نقل معنا می‌یابد مانند غنای به شعر که مراد از آن سرودن و ترنم اشعار با صدای رساست و ملازمی با غنای محرم به عنوان کیفیت صوتی مطرب ندارد.

دو - روایت مؤکد مطلوبیت تلحین در قرائت قرآن

برخی معتقدند تأکید به خواندن قرآن با الحان عرب در روایت مندرج در اصول کافی مشعر بر تصویب غنایی خواندن قرآن است. روایت این چنین است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اقْرَءُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَ لُحُونِ أَهْلِ الْفُسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَا وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَ قُلُوبٌ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۲: ۶۱۴).

پیش از این گذشت که اولاً مراد از الحان عرب صرفاً ترنمات و زمزمه‌های مستعمل در بین اعراب عصر پیامبر ﷺ بوده است و نه الحان موضوعه یا صداهای الزاماً مطرب به معنای

شرعی آن. ثانیاً ذیل روایت صراحتاً استعمال صوت لهوی و ترجیعات غنایی در تلاوت تحریم شده است؛ لذا مدعای تخصیص غنا در تلاوت به واسطه روایت الحان العرب به شدت مخدوش است.

سه - روایات مشتمل بر مدخلیت صوت حسن و تزیین صدا در تلاوت احسن

برخی محققان روایاتی مثل «لکل شیء حلیة و حلیة القرآن الصوت الحسن» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴/۶۳۳) را مؤید مطلوبیت غنا در تلاوت قرآن می‌دانند، اما پر واضح است که هر نوع تزیین و تحسین صوت در تلاوت الزاماً آوایی غنایی نیست. محقق سبزواری در بیانی شافی و رسا معتقد است: صوت حسن اعم از غناست؛ چرا که حسن صوت جهات مختلفی غیر از حالات تطریبی و ترجیعی دارد. بنابراین، حسن صوت می‌تواند به اعتبار زیبایی ذاتی صدا و تزیین آن باشد که به این طریق در جان‌ها مؤثر بیفتد و به حد غنا هم نرسد (محقق سبزواری، رساله فی تحریم الغناء، ۱۳۷۶: ۱/۳۱).

وی در ادامه می‌نویسد: قرائت برخی از مردم مشتمل بر شفافیت و صاف بودن صوت است و از خشونت غلظت و گرفتگی بر کنار می‌باشد و مواردی مثل رعایت حسن نطق و قواعد تجویدی مد و قصر در مواضع مناسب و عدم لکنت لسان و کندی و سرعتی خارج از اعتدال باعث میل طبائع انسانی برای استماع چنین کلامی می‌شود و مدح حسن صوت نیز به همین اعتبار است (همان، ۱/۳۲).

هر چند محقق سبزواری دایره تزیین صوت را مضیق جلوه داده و به تصویب استعمال اصوات غیر غنایی و غیر لهوی در تلاوت اشاره نموده است، همین مدعای وی نیز ثابت می‌کند که تزیین صوت و تحسین صدا ملازمی با غنایی خواندن ندارد.

چهار - روایات مشتمل بر مدخلیت ترجیع صوت در تلاوت احسن

برخی محققان روایات مؤکد ترجیع و تزیین در تلاوت را مشعر به تخصیص غنا در تلاوت از حکم حرمت مطلق غنا دانسته‌اند. ماجد بحرانی معتقد است صوت ترجیع دار قطعاً طرب‌انگیز است، حال آنکه ما به خواندن قرآن با صوت ترجیع دار امر شده‌ایم، در نتیجه، اگر غنا به مفهوم ترجیع مطرب حرام باشد، قرائت قرآن به شیوه مورد تاکید معصومان علیهم‌السلام حرام است (ماجد بحرانی، ایقاظ النائمین، ۱۳۷۶: ۱/۵۱۸). وی با همین استدلال غنا به مفهوم لغوی را حلال و غنا به مفهوم عرفی را حرام می‌داند (همان، ۱/۵۲۶).

این نکته که ماجد به آن اشاره نموده که هر صوت ترجیع داری طرب انگیز است، صحیح نیست؛ چرا که طرب در نگاه او همان لذت حاصل از استماع اصوات اعم از تلاوت قرآن و غیره است، در صورتی که هیچ کس عقلاً و شرعاً نمی‌تواند این لذت سمعی را مورد انکار شارع مقدس بداند. همان گونه که گفتیم، در تعاریف لغویان به شدت فرح و حزن اشاره شده نه میزان قلیل حزن و فرح؛ به عبارتی، طرب زمانی ایجاد می‌شود که شخص در اثر امری به شدت فرحناک یا حزین شود. بر اساس همین معنا بعید نیست که در روایت امام باقر علیه السلام تلاوت قرآن به صورت تحزین به معنای تأثر و بکاء و حزن غیر تصنعی تعبیر شده و حالت غشیه و صیحه‌ای را که برای برخی در هنگام استماع تلاوت حاصل می‌شود، شیطانی نامیده شده (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴/۴۲۲)، به همین حالت طرب حاصل از شدت حزن اشاره داشته باشد.

بنابراین، کلمات اهل لغت، عقل، عرف و شرع مؤید این امر است که لذت سمعی از یک تلاوت مشتمل بر حزن معمولی و غیر تصنعی ملازم با مطرب بودن آن صوت نیست. ثانیاً در برخی تعاریف اهل لغت از واژه «طرب» به حالت اهتزاز و اضطراب و حرکت حاصل از حزن و فرح اشاره شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱/۵۵۷). روشن است که حزن و فرح اندک این حالت را ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین، مراد از طرب، حالت خفت و سبک عقلی حاصل از شدت حزن و فرح است که امکان دارد به ایجاد حرکات غیر متعارف و غیر متناسب با شأن فرد منجر شود؛ مثل حالت رقص و تصفیق و زدن دست‌ها بر هم یا به اعتقاد برخی ممکن است همچون شراب در فرد ایجاد زوال عقلی نماید (نجفی اصفهانی، روضه الغناء، ۱۳۷۶: ۲/۱۵۱۱).

بهبهانی نیز در رساله خود شدت سرور و حزن را ملاک طرب آوری می‌داند نه مطلق آن را (بهبهانی، رساله فی الغنا، ۱۳۷۶: ۲/۸۲۸).

بنابراین، ترجیع با طرب ملازم ندارد تا گفته شود امر به ترجیع در تلاوت مساوی با امر به غنا در آن است. پس همان اختلافی که از عدم توجه به معنای دقیق مورد اشاره اهل لغت در مفهوم غنا دامنگیر فقها شده، در مفهوم طرب نیز رخ داده است؛ به گونه‌ای که معتقدیم اشتباه اصلی سید ماجد بحرانی همین عدم تنقیح مفهوم طرب است.

پنج - استناد به روایت تغنی به قرآن توسط امام سجاده علیه السلام

در کتاب کافی باب فضیلت قرآن روایتی وارد شده که قائلان به حلیت غنا در تلاوت به آن استناد می‌کنند:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ شَمُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: ذَكَرْتُ الصَّوْتَ عِنْدَهُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ يَقْرَأُ قَرِيبًا مَرَّةً بِهَذَا الْمَارِ فَصَعِقَ مِنْ حُسْنِ صَوْتِهِ وَإِنَّ الْإِمَامَ لَوْ أَظْهَرَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا لَمَا احْتَمَلَهُ النَّاسُ مِنْ حُسْنِهِ قُلْتُ: وَ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ بِالْقُرْآنِ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يُحْمَلُ النَّاسَ مِنْ خَلْفِهِ مَا يُطِيقُونَ (كلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷ / ۲)؛ علی بن محمد نوفلی گوید: نزد حضرت ابی الحسن علیه السلام از آواز خواندن یاد کردم، فرمود: همانا علی بن الحسین علیه السلام قرآن می‌خواند و چه بسا کسانی بر آن حضرت می‌گذشتند و از آواز خوش او مدهوش می‌شدند و اگر امام چیزی از آواز خوشش را آشکار کند، مردم تاب شنیدن آن را ندارند. عرض کردم: مگر نبود که رسول خدا با مردم نماز (جماعت) می‌خواند و آوازش را بخواندن بلند می‌کرد؟ فرمود: رسول خدا به اندازه تحمل و طاقت آنان که پشت سرش بودند، آوازش را بلند می‌کرد».

ظاهر روایت حالت غشیه‌ای را که بر مستمعین عارض می‌شده، به حسن صوت امام نسبت داده است؛ از این رو، این استدلال که حالت غشیه از شدت تأثر مستمعین از حالت تذکر و توجه موجود در تلاوت امام رخ می‌داده، صحیح نیست.

اما اشکالاتی که بر روایت مذکور و نوع تفهیم آن می‌توانیم مطرح نماییم، از این قرار است:

۱- سند این روایت ضعیف است (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴: ۱۲ / ۵۰۱) و مرسل بودن آن نیز یکی دیگر از عوامل ضعف آن به شمار می‌رود.

۲- روایت دیگر در کتاب کافی از طریق سهل بن زیاد وارد شده که با مدلول روایت مورد بحث مخالف است: «جابر گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: مردمی هستند که چون آیه‌ای از قرآن را ذکر کنند یا برای آنان خوانده شود، مدهوش گردند و چنان می‌نمایند که اگر دست‌ها یا پاهایشان را ببرند، نمی‌فهمند؟ فرمود: سبحان الله این کار شیطانی است و همانا تأثر از قرآن به که نرم شدن دل، رقت قلب اشک ریختن و ترس است» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۲ / ۶۱۷).

ظاهر روایت این است که امام حالت صیحه و غشیه حاصل از عوارض صوتی تلاوت را محکوم نموده‌اند و این کاملاً با روایت مورد بحث مخالف است؛ چرا که در اینجا سخن از عوارض صوتی است نه تأثر حاصل از معانی و مفاهیم و به همین سبب شیطانی دانسته شده است. از آنجا که این حالت حاصل همان قید طرب‌انگیزی است، مؤیدی بر حرمت غنا نیز می‌باشد و با مضمون روایت مورد بحث نیز کاملاً مخالف است.

۳- در ادامه روایت مورد بحث، حسن صوت خارق العاده به پیامبر نیز نسبت داده شده است. شاید بتوان گفت این نوع اصوات از امور مختص به معصومان علیهم‌السلام و از کرامات ایشان بوده و حالات عارض بر مستمعین از نوعی قدرت الهی موجود در صوت ایشان سر چشمه می‌گرفته و ربطی به غنایی بودن آن نداشته است؛ مانند آنچه در توصیف صوت حضرت داوود علیه‌السلام در منابع دینی آمده است.

در نهایت، باید گفت سند ضعیف روایت، تناقض آن با مدلولات روایت دیگر و ضعف دلالی آن، جایی برای مدعای تخصیص غنا در تلاوت توسط روایت مذکور را باقی نمی‌گذارد.

شش - مدعای جواز غنا در تلاوت تحت عنوان تلهی

این مدعا را حسینی مرعشی بیان نموده است. وی معتقد است غنا به دو صورت محقق می‌شود و در هر صورت، دو لهو مدخلیت دارد؛ یکی قصد تلهی به صوت گرچه صوت لهوی نباشد و دوم شنواندن صوت لهوی به مستمعین گرچه قصد خواننده تلهی نباشد. البته مراد وی از صوت لهوی، آوای مطرب موجب خفت و طرب است.

مرعشی پس از این تفصیل، معتقد است قسم اول در تلاوت قرآن استحباب دارد ولو صدا به حد تطریب نرسد، اما در غیر قرآن و مانند آن عرفاً غنا بوده و حرام است (حسینی مرعشی، خیر الکلام، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۴۴۳). البته وی تأکید کرده که نوع دوم صوت لهوی یعنی صوت مطرب در تلاوت نیز حرمت دارد و در این قضیه به فیض کاشانی تاخته که چگونه قائل به جواز صوت مطرب در تلاوت قرآن شده است (همان، ۲ / ۱۴۴۴).

باید گفت در صحت حرمت قسم دوم حق با مرعشی است، اما اینکه مدعی شده تلهی در تلاوت (ولو مجرد از تطریب) و دیگر محتویات دینی استحباب دارد، مستندی ندارد؛ چرا که اولاً تلهی مجرد از صوت لهوی در غیر تلاوت هم نمی‌تواند حرام باشد، زیرا مراد وی از تلهی مجرد از لهو، زمزمه و ترنم به قصد سرگرمی و انگیزش روحی است. ثانیاً این مفهوم از تلهی

به چه دلیل می‌تواند در تلاوت و مانند آن مستحب باشد. ثالثاً مرعشی واسطه‌ای بین حرمت غنا در تلاوت و حلیت آن (غنا به مفهوم صوت مطرب) قائل شده و از آن به تلهی یاد نموده است و برای تنقیح موضوع و حکم تلهی مستندی شرعی ارائه نموده، در حالی که قائلان به حرمت یا حلیت غنا دست کم در تنقیح موضوع حرمت یا حلیت به وضع لغوی یا نقل شرعی غنا به صوت شهوانی یا ملازم با محرّمات استناد نموده‌اند؛ به عبارتی، موضوع و حکم تلهی مورد عنایت مرعشی پشتوانه‌ای از استناد به نصوص روایی یا وضع لغوی ندارد. در هر صورت باید گفت مدعای وی بسی غریب، مبهم و نارسا به نظر می‌رسد.

۳. بطلان مدعای حلیت غنا در تلاوت و تأثیر آن در تحدید مؤلفه‌های موسیقایی تلاوت احسن

حال باید به این سؤال پاسخ داد که مدعای قاطبه فقهای شیعه در حرمت غنا در تلاوت چه افقی را برای قاریان کلام الهی ترسیم می‌کند و به عبارتی با مسدود شدن باب غنا در تلاوت چگونه باید به شعار تحلیل و تحسین تلاوت جامه عمل پوشاند. در این راستا معتقدیم تلاوت قرآن به شکل غیر غنایی جز اینکه کاملاً متصور است با فلسفه تشویق به تحسین صوت در کلام الهی بدون استفاده از اسلوب غنایی نیز سازگار است. در ادامه به تشیید صحت این مدعا در خلال چند مبحث می‌پردازیم.

الف) ظرفیت‌های هنری اسلوب‌های موسیقایی غیر غنایی در تلاوت قرآن

عبدالسلام مقبل مجبری در کتاب إذهاب الحزن و شفاء الصدر السقیم پس از بیان تحقیقی مباحث مربوط به تغنی و استعمال الحان در تلاوت - گرچه در نهایت به شدت از تلاوت به سبک قاریان متقدم مصری مثل عبدالباسط، منشاوی و دیگران دفاع می‌کند - اصول پنجگانه‌ای را درباره به کارگیری الحان مطابق با سیره نبوی ﷺ برمی‌شمرد. در واقع، می‌توان از این اصول به عنوان شروط استعمال الحان در تلاوت یاد کرد که باید نصب العین قاریان حرفه‌ای قرآن قرار گیرد. وی می‌نویسد:

اصولی که رعایت آنها مجوز استعمال قوانین ایقاع در تلاوت است، به قرار ذیل است:

۱. التزام به ضوابط تجوید و ارکان ترتیل بدون کم و کاست؛
۲. باقی ماندن فضای تلاوت بر حالت تحزین خشوع و خضوع؛
۳. ایجاد نشدن حروف اضافه در تلاوت و عدم کشش اضافه در حرکات کوتاه؛

۴. عدم کوتاه خواندن حرکات کشیده و اخلال در اجرای مد لین و حروف مشدد؛
 ۵. عدم غلو در تلحین طوری که گمان رود تلحین غایت مورد نظر در تلاوت است نه
 اینکه وسیله‌ای برای تدبر در قرآن باشد تا جایی که قاری و مستمع به گونه‌ای مفتون شوند
 که به تلاوت نه به دلیل قرآن بودن آن بلکه برای الحان آن گوش دهند؛
 ۶. [عدم] زیاده‌روی در طلب الحان از اصحاب ملامی تا استفاده از الحان در تلاوت به
 عنوان یک فن مستقل به شمار نیاید و در اجرای آن بذل تکلف صورت نگیرد و قاری را از
 طبیعت خود برای تلاوت خارج نکند (مقبل مجبری، إذهاب الحزن و شفاء الصدر السقیم،
 بی تا: ۲۹۸).

باید گفت کلام مجبری نهایت احتیاط را در حفظ کلام الهی و به حاشیه نرفتن محتوا و
 مقاصد قرآن را لحاظ نموده است؛ به عبارتی دیگر، غایت استماع تلاوت یعنی تدبر در آیات
 در عین تلذذ از صوت قاری را تأمین می‌کند. در عین حال معتقدیم تلاوت صحیح و غیر
 غنایی این ظرفیت را دارد که به انحاء مختلف در قاری و مستمع ایجاد لذت و حظ معنوی
 نماید. چنین تلاوتی دارای شاخصه‌هایی به قرار ذیل است:
 ۱. با توجه به جمال ذاتی الفاظ قرآن؛ ۲. حسن ادای الفاظ قرآن؛ ۳. توجه به معانی الفاظ
 قرآن؛ ۴. ترجیح غیر مطرب قاری (یعنی تحریر و انعطاف که البته غنای محرم نیز بیشتر از
 همین حاصل می‌شود) ۵. وجود جوهره زیبای صوتی قاری قرآن (به طنین و عطر صدا).

(ب) فلسفه توصیه به اعتدال در نغمه پردازی و تلحین در تلاوت حرفه‌ای
 برخی محققان معاصر مثل ابو زید شبلی (شبلی، حکم تلحین القرآن، ۱۳۷۶: ۴۷) این
 اشکال عمده را به تلاوت قاریان مصر وارد می‌دانند که افراط گرایشی تلحینی موجب دور
 کردن قاری و مستمع از مفاهیم آیات و اصل قرار گرفتن تلحین و تطریب و التذاذ سمعی به
 آیات می‌شود.

به نظر می‌رسد شارع مقدس در تعامل با مسئله جنبه هنری تلاوت به گونه‌ای عمل
 نموده تا همچون بقیه تشریعات عبادی، اصل از فرع و جوهر از عرض تمییز داده شوند.
 نعیم الیافی ایقاعات (ضرب آهنگ‌های) نص قرآن، نغمه‌پردازی (تنغیم) مقری و تأثر
 درونی مستمع را به عنوان مصادر سه‌گانه جمال نغمی قرآن بر می‌شمرد و تصریح می‌کند
 تنها جمال ایقاعات نص قرآن، اصیل و قابل تحلیل علمی است. وی در عین حال از اسلوب

تلاوت قاریانی چون رفعت، عبدالباسط و مصطفی اسماعیل یاد کرده و هر یک را به چند شاخصه نغمی می‌ستاید و به شدت اعجاب خود را از تلاوت آنان به خصوص شیخ رفعت اظهار می‌دارد و در عین حال، معتقد است کیفیت تنغیمی این سه قاری به شدت با هم متفاوت است و ارزش تنغیمی تلاوت‌هایشان به ذوق قاری و احساس مستمع بستگی دارد^۱ (الیافی، عوده الی موسیقی القرآن، ۱۴۰۷: ۷۱).

در نهایت باید گفت ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی اسلوب‌های غیر غنایی تلاوت به همراه تأکید بر اعتدال در تلحین و نغمه‌پردازی در تلاوت به خوبی دو غایت مورد تأکید شارع یعنی جذابیت سمعی و اصالت دادن به محتوا در قیاسی با کیفیات هنری و صوتی تلاوت را محقق می‌سازد.

نتیجه

نارسا بودن مدعیاتی چون خروج تخصصی یا تخصیصی تلاوت قرآن از حکم و موضوع شرعی غنا مسئله حرمت غنای مطرب در تلاوت را اثبات می‌کند. همچنین ظرفیت‌های موسیقایی تلاوت غیر غنائی به انضمام تأمین غایت اصلی تلاوت تلحینی از سوی شارع به واسطه تلاوت‌های مجرد از اسلوب طرب انگیز مؤید حلیت الحان غیر غنایی و به تبع آن، عدم ضرورت استعمال اسالیب غنائی در تلاوت است. به علاوه، انصراف مفهوم غنا در اعیاد، مرثی و تلاوت قرآن در غالب بیان معصومان علیهم‌السلام به نواها و ترنمات معمول و غیر غنائی مسلمانان تخصصاً آواهای مرسوم در صدر اول را از موضوع شرعی غنای محرم خارج می‌کند؛ به این معنا که مراد از تصویب غنا در محتواهای دینی صرفاً تصویب آواهای مستعمل بین مسلمانان آن زمان است و برخی کلمات ائمه علیهم‌السلام در تقبیح غنا نیز ناظر به اصوات مطرب و لهوی می‌باشد. در نهایت، باید گفت با منظور نمودن نقدهای مطرح در این نوشتار، حلیت غنا در تلاوت قرآن به نحو استثنای تخصصی و تخصیصی را بر نمی‌تابد. به علاوه، ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی اسلوب‌های غیر غنایی تلاوت به همراه تأکید بر نغمه‌پردازی معتدل در تلاوت به خوبی دو غایت مورد تأکید شارع یعنی جذابیت سمعی و اصالت دادن به محتوا در قیاس با کیفیات هنری و صوتی تلاوت را محقق می‌سازد.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ایرانی، اکبر، تحلیل مفاهیم فقهی غناء، مجله ادبستان فرهنگ و هنر، شماره ۳۶.
۴. بحرانی، سید ماجد، ایقاز النائمین و ایعاض الجاهلین، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۵. بهبهانی، محمود بن محمد علی، رساله فی الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۷. حسینی مرعشی، سید محمد، خیر الکلام فی الغنا الحرام، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۸. حلّی، حسن بن یوسف، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۰۲ق.
۹. حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، دار الذخائر - نجف اشرف، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۱۰. خواجهوی، ملا اسماعیل، رساله فی الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.
۱۲. دارابی، محمد بن محمد، مقامات السالکین، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.

۱۳. سلیمانی آشتیانی، مهدی درایتی، محمد حسین، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷ش.
۱۴. سنقری حائری، محمد علی، الموسیقیات و نقدها، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۱۵. شبلی، ابو زید، حکم تلحین القرآن، مجله الازهر، العدد ۲۸، ۱۳۷۶ق.
۱۶. شریف کاشانی، مولی حبیب الله، ذریعه الاستغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، المكتبه الاسلامیه، تهران: چاپ پنجم، ۱۳۹۵ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۱۹. عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۰. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲۱. فیض کاشانی، مولی محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیر المومنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۲. فیض کاشانی، مولی محسن، مفاتیح الشرائع، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، تهران: دار الکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۵. کاشانی، محمد رسول، رساله فی تحریم الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری، محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.

۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۲۹. محقق سبزواری، رساله فی تحریم الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۳۰. مصطفوی حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۱. معرفت، محمدهادی، تحقیق عن مسئله الغناء، مجله الفکر الاسلامی، العدد السابع، ۱۳۷۳ش.
۳۲. مقبل مجبری، عبد السلام، إذهاب الحزن و شفاء الصدر السقیم، قاهره: دار الإیمان، بی تا.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۳۴. نجفی اصفهانی، محمد رضا، الروضه الغناء، بر اساس نسخه مطبوع در کتاب غناء، موسیقی (دو جلدی)، رضا مختاری و محسن صادقی، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر علیه السلام، قم: نشر مرصاد، ۱۳۷۶ش.
۳۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۳۶. یافی نعیم، عوده الی موسیقی القرآن التراث العربی، العدد ۲۵ و ۲۶، سنه ۱۴۰۷ق.